

زمین لرزه تربت حیدریه در سال ۱۳۰۲ش: تبعات و واکنش‌ها

محمدحسین پورقنبر*

چکیده

بیان مساله: در این مقاله به یکی از حوادث مخرب و اسفناک طبیعی پرداخته خواهد شد که طی دوره معاصر در یکی از مناطق شرقی ایران اتفاق افتاد یعنی زلزله مهیبی که تربت حیدریه در شرق ایران را در بهار ۱۳۰۲ش لرزاند. در این راستا، دو هدف اصلی مقاله، پیامدها و آثار این زلزله از منظر اجتماعی و اقتصادی، و همچنین عملکرد و عکس‌العمل نهادهای حکومتی و غیرحکومتی نسبت به این واقعه ناخوشایند در داخل و خارج از کشور است.

روش پژوهش: با رویکرد کیفی بر مبنای داده‌های نشریات، اسناد و مدارک آرشیوی، و با روش توصیفی-تحلیلی به دو مبحث اصلی مقاله پرداخته خواهد شد.

نتایج پژوهش: یافته‌ها دال بر این است که این واقعه که یکی از مهیب‌ترین بلایای طبیعی در تاریخ معاصر ایران بود، جدای از این‌که مانند همه بلایای همجنس خود، پیامدهای زیانباری از منظر مرگ‌ومیر، آسیب‌های روحی و خسارات ابنیه، در پی داشته، از برخی معضلات فرهنگی در جامعه نیز پرده برداشت. با این حال، در سویی دیگر، نمی‌توان از نگرش‌های نوع‌دوستانه و احساس مسئولیت در قبال زلزله‌زدگان در داخل و خارج از کشور ایران طی آن برهه زمانی چشم‌پوشی نمود.

* دکترای تاریخ، دانشگاه شهید بهشتی و پژوهشگر موسسه مطالعات تاریخ معاصر، تهران، ایران،
mpourghanbar8@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۱



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

کلیدواژه‌ها: ایران، تربت حیدریه، زمین لرزه، پیامدها، واکنش‌ها.

۱. مقدمه

طرح موضوع: مردم ایران وقایع فراوان، متنوع و نه چندان خوشایندی را در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی طی صد سال اخیر از سر گذراندند. اگرچه بخش اعظمی از رویدادها طی دوره معاصر، منبعث از عرصه سیاسی-نظامی یعنی در واقع نشأت گرفته از حوادث شناخته شده انسانی مانند منازعات داخلی و جنگ‌های خارجی بود، با این حال، قسمت مهمی از تلفات و خسارات در ارتباط با حوادث طبیعی همچون سیل، زلزله، قحطی و امراض مُسری قرار داشت، که بر مصائب ناشی از بی‌ثباتی سیاسی، منازعات داخلی، و جنگ‌های خارجی افزوده، شرایط نامساعد و فلاکت‌بار زندگی مردم ایران را تشدید می‌نمود. در این میان، زمین لرزه یکی از شایع‌ترین، و البته، مخرب‌ترین و مرگ-بارترین رویداد طبیعی در ایران طی دوره موردنظر به حساب می‌آید.

مسئله اصلی: یکی از نمونه‌های برجسته تاریخ معاصر ایران در این زمینه، بروز زلزله در یکی از مناطق شرقی ایران یعنی شهر تربت حیدریه و مناطق اطراف آن طی خردادماه ۱۳۰۲ش می‌باشد آن هم در مقطع زمانی که ایران یکی از حساس‌ترین و پُرهیاهوترین ادوار سیاسی تاریخ خود را می‌گذراند. میزان اهمیت، برجستگی و بازتاب رخدادها در عرصه سیاست و حکومتداری ایران طی دوره موردنظر، به اندازه‌ای بود که اذهان اکثریت جامعه ایران طی آن برهه زمانی، و حتی محققان و پژوهشگران تاریخی در زمان کنونی را به سوی خود سوق داده، و سایر رویدادهای اجتماعی به‌ویژه بلایای طبیعی، منجمله زمین لرزه تربت حیدریه، در گردوغبار ناشی از تلاطم عرصه سیاسی، کم‌رنگ دیده شد.

سوالات: با این اوصاف، مقاله پیش‌رو، درصدد است تا به دو پرسش ذیل پاسخ دهد:

۱. بروز زمین لرزه تربت حیدریه در سال ۱۳۰۲ش با چه پیامدهای توأم گردید؟

۲. چه واکنش‌هایی را در داخل و خارج از کشور به همراه آورد؟

پژوهش حاضر درصدد است بر مبنای داده‌ها و اطلاعات استخراج شده از روزنامه‌ها، مجلات، اسناد و مدارک آرشیوی، و با روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این سوالات برآید. شایان ذکر است، تاکنون هیچ کار تحقیقاتی در زمینه موضوع این مقاله،

انجام نگردیده، ازین رو، به نظر می‌رسد، پژوهش پیش‌رو، در نوع خود، بدیع و نوین تلقی گردد.

۲. اثرات و تبعات زمین‌لرزه

۱.۲ تلفات انسانی

این بلای طبیعی در نیمه‌های شب پنجم خردادماه ۱۳۰۲ش اتفاق افتاد و مرکز آن در حدود ده کیلومتری جنوب غربی تربت حیدریه بود. مطابق اظهار یکی از نمایندگان خراسان در مجلس شورای ملی طی همان برهه زمانی: «در نخستین ساعات امروز زلزله شدیدی در تربت به وقوع پیوست. شاهدان چنین زمین‌لرزه بزرگی را به یاد ندارند. تاکنون که یک ساعت و نیم از روز گذشته متوالیاً زلزله مداومت دارد ولی به شدت و سختی مرتبه اول نیست» (بهار، ۱۳۲۱: ۳۲۸)، و بر اساس روایت والی وقت خراسان (جعفرقلی خان سردار اسعد): «اخبار وحشت‌آور تربت رسید که به واسطه زلزله شهر خراب و پنج ده که دو فرسخی شهر است به کلی منهدم شد... فوری نعشها را دفن کردند و زخمیها مشغول معالجه هستند و مشغول جمع‌آوری اثاثیه مردم و حفظ زراعت هستند» (امیربهادر، ۱۳۷۲: ۹۳). در ارتباط با میزان جانباختگان این واقعه روایات متعددی وجود دارد. بنابر یکی از گزارشات که کمتر از هشت ساعت بعد از وقوع زمین‌لرزه به مشهد مخابره گردید: «آنچه تاکنون شنیده شده در شهر قریب سی و پنج نفر زیر آوار رفته و اغلب تلف شده‌اند و بقیه مجروح شده و قریه مهم جوزق و صدرآباد زیاده‌تر دچار زمین‌لرزه شده به قرار مسموع از جمعیت کثیر آن عده قلیلی نیمه‌جان نجات یافته‌اند. صدرالعلما و دامادش با شش نفر اولاد و بستگانش که در قریه صدرآباد بوده‌اند، تلف شده‌اند. هنوز هم پی‌درپی زلزله حمله می‌کند، خداوند عاقبت این بلای عظیم را بخیر بگذرانند» (نوبهار، شماره ۲۹، ۱۳۰۲ش، ص ۴۶۳). در گزارش دیگری که از سوی برخی از افراد سرشناس و بانفوذ منطقه تربت به نمایندگان خراسان در مجلس شورای ملی ارائه گردید:

وقوع بلیه همان‌طوری که به سمع مبارکتان رسیده است در موقعی بود که عموم اهالی در خواب و از صدای مهیب در زمین و سقف دیوارهای عمارات بیدار شده، هر کس توانست خود را از محل خواب و خانه خارج و دیوانه وار روبه صحرا گذاشتند... عده تلفات و زخمی‌های شهر تخمیناً شصت نفر، خرابی دهات اطراف که به کلی وازگوم

گردیده، خورق و توزان و کاج درخت و تقی آباد و ده نو و مرتضویه که به استثنای عده قلیلی که در موقع وقوع زلزله در قلعه جات فوق نبوده‌اند، بقیه که تخمیناً علاوه از دو هزار نفر بوده‌اند به کلی زیر آوار مانده در سایر دهات متفرقه هم که با این دهات یک فرسخ و نیم فرسخ فاصله داشته است علاوه از ششصد نفر تلفات پیدا شده است. آنچه تصور می‌شود تاکنون صورت بدست آمده قریب به سه هزار نفر تلف شده‌اند (همان: ۴۶۴).

در حالی که آمار دقیقی از افراد گشته‌شده در این زمینه وجود نداشته و گزارشات متفاوتی مبنی بر تعداد تلفات جانی این زمین‌لرزه از حدود دوهزارو پانصد نفر (اسناد موسسه مطالعات تاریخ معاصر، شماره راهنما ۱۲۳-۱۴۷۹-۱۲م). تا بیش از سه هزار نفر (الحق، شماره ۵، ۱۳۰۲ش، ص ۲)، و حتی افزون بر شش هزار نفر (نوبهار، شماره ۳۲، ۱۳۰۲ش، ص ۵۱۱) وجود دارد. مطابق گزارشی که حدود ۴۸ ساعت بعد از بروز حادثه از شرق ایران به تهران مخابره گردیده، آمار تخمینی تلفات، به غیر از مجروحین، فقط تا دو روز بعد از زلزله تربت به بیش از چهار هزار نفر می‌رسید (همان، شماره ۲۹، ۱۳۰۲ش، ص ۴۶۳؛ قشون، شماره ۱۰، ۱۳۰۲ش، ص ۵).

۲.۲ لطمات اقتصادی

یکی از عوارض مهم ناشی از زمین‌لرزه تربت حیدریه، آسیب‌هایی بود که به ساختمان‌ها، تأسیسات و منازل مسکونی این منطقه وارد گردید، که نتیجه آن نیز وارد آمدن خسارت اقتصادی به آن ناحیه، و لزوم اقدام دولت برای بازسازی مناطق زلزله‌زده از طریق صرف بودجه عمومی کشور بود، این در حالی اتفاق افتاد که تربت حیدریه به عنوان یکی از شهرهای زیبا و بیلاقی و تقریباً آباد در جنوب خراسان محسوب می‌شد و از نقاط مهم تجارتی و زراعتی شرق کشور به شمار می‌آمد (نوبهار، شماره ۲۹، ص ۴۶۳).

جدای از تلفات جانی، روایات حکایت از این دارد که بعد از وقوع زلزله تربت، بازماندگان در شرایط زیستی بسیار هولناک و رقت‌انگیزی به سر برده، با نظر به فراگیر بودن فقر و فلاکت عامه مردم ایران، کمبود شدید امکانات بهداشتی و فقدان زیرساخت‌های ارتباطی مناسب در اکثر نقاط کشور منجمله نواحی شرقی ایران طی آن دوره زمانی، دور از انتظار نبود که وضعیت زندگی مردم زلزله‌زده، بسیار نامساعد و اسفناک باشد، چنان‌که مطابق یکی از گزارش‌ها: «به قدری حالت شهر و سکنه آن و وضع قراء و اطراف و تلفات

وارده رقت‌آور است که حد ندارد!» (همانجا). در این میان، اقشار آسیب‌پذیر و تهیدست اجتماع که طبیعتاً در خانه‌های غیرمستحکم به سر می‌بردند، به مراتب بیشتر در مضیقه و فشار قرار داشتند: «تمام منازل سست بنیاد به کلی خراب و منزل‌های مستحکم هم شکست خورده». حتی ساختمان‌های دولتی نیز با خطر شدید تخریب مواجه گردیدند: «تلگرافخانه هم خراب و آنچه باقی است به واسطه گسیخته شدن ارکانش از هم، قریب به انهدام، و به قسمی خطرناک است که عبور از داخل آن عمارات ممکن نیست، عجالتاً تلگرافچی تربت فقط با یک دستگاه که در توی چادر گذاشته شده برای اینکه سیم تعطیل نشود مشغول کار است» (بهار، همان: ص ۳۲۸). از آنجا که پس‌لرزه‌های این زلزله نیز مکرر و نسبتاً شدید بود، گویا بخش قابل توجهی از ابنیه که از زلزله اصلی کمتر آسیب دیده بودند هم طی روزهای بعدی دچار تخریب شدند، به طوری که بنابر گزارشی مربوط به یک هفته بعد از این زمین‌لرزه: «از پریشب گذشته چهار مرتبه زلزله آمده، غالب ابنیه که در شهر سالم مانده بود شکست خورده در شرف خراب شدن است» (همانجا). راجع به میزان خسارت اقتصادی که به منطقه زلزله‌زده آمده، روایاتی وجود دارد که در اینجا به آنها اشاره خواهیم کرد. برخی مقامات منتسب به حکومت در تربت حیدریه، ضرر و زیان مالی وارد شده به مردم را چنین ارزیابی کردند:

هیچ یک از ابنیه شهر قابل سکونت نیست، تمام باید از بنیاد برداشته شده ثانیاً ساخته شود. قراء منهدمه اطراف، تمام سکنه و مواشی آن تلف شده زراعت‌شان هم به واسطه عدم صاحب و سرپرست از میان خواهد رفت. میزان و مبلغ خسارات وارده را تخمیناً می‌توان بالغ بر چندین کرور برآورد کرد. (نوبهار، شماره ۲۹، ص ۴۶۳)

مطابق اظهار والی وقت خراسان:

عجالتاً چیزی که لازم است ساختمان شهر است. اغنیاء خودشان می‌توانند تعمیر بنمایند خرابه‌های خود را، ولی به فقرا باید دولت کمک کند. دهات را هم وراث خودشان باید آباد کنند، برای اینکه هر چند خانه یک وارث دارند آن وارث به واسطه اینکه فرد است کمی تمول از چند خانه به او رسیده است، یا باید قیمت خود را آباد کند، یا اگر نمی‌تواند به رفیقش که قوه‌اش زیاده‌تر است بفروشد. عقیده امرلشکر و نایب‌الایاله این است که اگر دولت و ملت یکصد هزار تومان کمک کنند خانه‌های فقرا ساخته خواهد شد. (امیربهادر، همان، ص ۹۳).

همسو با روایات مذکور، بعضی از رجال برجسته و بانفوذ تربت، وضعیت شهر تربت و روستاهای اطراف را این‌طور توصیف نمودند:

قسمت بیشتر خانه‌های بی استحکام شهر به کلی خراب شده است، سایر عمارات هم که نسبتاً بزرگ و استحکاماتی داشته تمام سقف‌ها و تمام دیوارها خرد و به کلی بازار و کاروانسراها از میان متلاشی گردیده... خانه‌های شهر قابل سکونت نیست و البته تصدیق خواهند فرمود که به این ترتیب از برای احدی قوه این‌که یک دکان یا یک خانه خود را تعمیر نموده بتواند بعدها در آن زندگی کند ندارد... چهار رشته قنوات متعلق به شهر و دهات اطراف مسدود گردید (نوبهار، همان، ص ۴۶۴).

همچنین جمعی از علما و معاریف تربت که در نامه‌ای به والی خراسان و نخست‌وزیر، درخواست تخصیص وام بلاعوض و تسهیلات مالی دیگر در راستای نوسازی واحدهای آسیب‌دیده نموده بودند، میزان خسارت را این‌طور برآورد نمودند: «در صورتی که بالغ بر دو میلیون خسارت وارد شده، جبران و تعمیر آن بدون مساعدت دولت از عهده رعیت خارج است. هرگاه هیئت دولت از بذل این مختصر مساعدت مضایقه فرمایند، باید به کلی از تربت حیدریه و زندگانی اهالی صرف‌نظر فرمایند» (فکر آزاد، شماره ۷۵، ۱۳۰۲ ش، ص ۳). یکی از مستشاران خارجی که از سوی وزارت مالیه در راستای برآورد میزان خسارت مالی، به دستور مستقیم نخست‌وزیر و از طرف وزیر دارایی بلافاصله عازم منطقه زلزله‌زده گردید، مدعی شد، احتمالاً دوهزار تومان در راستای کفن و دفن اموات و اسکان موقت زلزله‌زدگان کفایت خواهد کرد (اسناد موسسه تاریخ معاصر، شماره راهنما ۱۲۳-۱۴۷۹-۱۲ م).

ناگفته نماند، کمتر از سه هفته بعد از این زلزله، یک بلای طبیعی دیگر نیز بر اهالی آن منطقه وارد گردید، که شدت خسران اقتصادی به ساکنان تربت و روستاهای اطراف آن را تکمیل نمود، چنان‌که یک باران شدید و مستمر، که در آن برهه از سال در شرق ایران کاملاً غیرمنتظره بود، سبب شد تا سیل در آن منطقه اتفاق بیفتد. بنابر خبری که یکی از مطبوعات طی آن زمان منتشر نمود:

به قرار خبری که از تربت می‌رسد در نتیجه باران شدیدی که هفته قبل آمده، بقیه دکانین و منازل که پس از زلزله بجا مانده بود، همه خراب گردیده و از این راه نیز خسارت عمده به کسبه بیچاره تربت رسیده است. (فکر آزاد، شماره ۷۶، ۱۳۰۲ ش، ص ۱)

ضمن این‌که مقدار قابل‌توجهی از زمین‌های کشاورزی دچار صدمه شدند، و تعداد زیادی از احشام و حیوانات اهلی نیز در روستاها نابود گردیدند (همانجا؛ پیکان، شماره ۳۷، ۱۳۰۲ش، ص ۲). گفته شده، که این سیل، به حدی عظیم بوده که نزدیک به دویست خانوار را بی‌خانمان نمود (شفق سرخ، شماره ۱۵۷، ۱۳۰۲ش، ص ۳).

۳.۲ صدمات روحی و روانی

علاوه بر تلفات انسانی و مشکلات اقتصادی، یکی از ابعاد مهم زلزله تربت حیدریه، آسیب‌هایی بود که از منظر روحی و روانی بر بازماندگان زلزله و ساکنان آن منطقه وارد گردید، چنان‌که بر اساس یکی از گزارش‌های ارسالی به پایتخت، وضعیت روحی مردم زلزله‌زده طی ۲۴ ساعت بعد از واقعه، بدین صورت توصیف گردید:

دیشب و امروز سه چهار مرتبه زلزله آمد. سه مرتبه خفیف و یک مرتبه که یکساعت قبل از ظهر امروز بود سخت بوده است. به‌طور عموم و خفیف در تمام اوقات زلزله محسوس می‌شود که لاینقطع زمین متزلزل است... حالت عموم خیلی بد و بهت غیبی عامه را فرا گرفته، بازار و دکانین تعطیل، تمام زن و مرد در باغات اطراف پراکنده‌اند (نوبهار، شماره ۲۹، ص ۴۶۳)

این لطمات روانی، حداقل تا پایان همان ماه تداوم پیدا کرد، زیرا بعد از مدتی آرامش، بار دیگر، در روزهای پایانی خردادماه، این بلیه طبیعی مجدداً بروز نمود و زندگی ساکنان آنجا را که تا حدودی به روال عادی خود بازگشته بود، دچار اختلال کرد. مردم تربت در سحرگاه ۲۴ خرداد شاهد زلزله نسبتاً شدیدی بودند، که اگرچه به‌صورت جزئی، لطمات مادی به همراه داشته، اما تلفات جانی به بار نیاورد، اما در بعد از ظهر همان روز، زمین‌لرزه دیگری روی داد که میزان شدت آن، بیشتر از صبح بوده، اوضاع روحی مردم را دچار آشفتگی کرد: «چند روز بود بواسطه تخفیف یافتن زلزله مردم قدری مطمئن و دکانین را باز نموده بودند، مجدداً تزلزل خاطر یافته امروز به‌واسطه تکرار زلزله‌های شدید اهالی فوق‌العاده متوحش و مضطربند» (شفق سرخ، شماره ۱۳۰۲، ۱۴۷ش، ص ۴). نه تنها تربت، بلکه ساکنان ترشیز (کاشمر کنونی) در غرب تربت حیدریه نیز چندین زلزله را در اواخر خرداد ۱۳۰۲ش تجربه کردند. اگرچه زمین‌لرزه‌های وقوع یافته در آنجا خفیف بوده و صدمات مادی به جا نگذاشت، با اینحال، اثرات روحی ناخوشایندی بر روی مردم داشت:

«سه زلزله دیگر شده که خیلی خفیف بود و اهالی به خیالات این که در ليله ۱۸ زلزله سختی خواهد شد ليله مزبوره را از منازل شهر خارج و بباغات و بیابان بیتوته نمودند و اکنون هم بهمان ترتیب باقی هستند و یک وحشت و اضطراب فوق تصویری در عموم تولید گردیده و شبها را در گذرها و معابر مشغول اقامه عزای حضرت خامس آل عبا {مطابق با ۱۹ شوال ارواحنا الفداه} شده‌اند» (فکرآزاد، شماره ۷۷، ص ۳؛ نشریه پیکان، شماره ۳۷، ۱۳۰۲ش، ص ۲).

شایان ذکر است، طی روزهای پایانی خردادماه، در حالی که مردم تربت و نواحی اطرافش، کاملاً از زمین‌لرزه‌های مکرر خلاص نشده و آلام ناشی از آن بالای طبیعی را پشت‌سر گذاشته بودند، با معضل دیگری به نام سیل مواجه گردیدند. بارش شدید باران (در آن مقطع زمانی از سال در مناطق مرکزی خراسان، غیرمنتظره و غیرمعمول بود) به مدت ۲۴ ساعت مداوم، برخی از نقاط خراسان من جمله حوالی تربت را دربر گرفت (پیکان، شماره ۳۳، ۱۳۰۲ش، ص ۳). در پی آن، برخی از مردم که هنوز به خاطر ترس از بروز زمین‌لرزه شدید، در باغ‌ها و بیابان‌های اطراف بیتوته کرده بودند، به علت فقدان لوازم زندگی و نزول این باران‌های بی‌موقع، در وضعیت بسیار نابسامانی قرار گرفتند (شفق سرخ، شماره ۱۵۱، ۱۳۰۲ش، ص ۳).

۴.۲ آشکار نمودن برخی معضلات اجتماعی - فرهنگی

از پیامدهای وقوع زمین‌لرزه در تربت‌حیدریه این بود که از برخی نارسایی‌ها در جامعه ایرانی پرده برداشت، معایب و چالش‌هایی فرهنگی و اجتماعی مانند فرصت‌طلبی، شخصی‌نگری و سودجویی که در بین طیفی از اشخاص جامعه، ولو در مواقع بسیار سخت و اسفناک همچون زمین‌لرزه دیده می‌شود.

یکی از جلوه‌های این سودجویی و منفعت‌طلبی، به بخشی از ساکنین، به‌ویژه قشر مرفه، متعین و متنفذ منطقه تربت‌حیدریه مربوط می‌شد که اگرچه در قیاس با اکثریت عامه مردم دچار خسارت مالی و جانی قابل ملاحظه‌ای نشدند، با این وجود، میزان خودخواهی و دنائت طبع آنان به اندازه‌ای بود که علی‌رغم وضعیت تأثیرانگیز و فلاکت‌بار هم‌نوعان‌شان، درصدد سهم‌خواهی از اعتبارات مالی حکومتی و اعانه‌های غیردولتی برآمدند. در حالی که بسیاری از مردم بینوا و مفلوک، به‌علت این رویداد شوم، در شرایط اسفناک و تکان‌دهنده‌ای قرار داشتند، بعضی از اشخاص سودجو، در راستای دستیابی به منافع مادی بیشتر، حتی از

زمین‌لرزه تربت حیدریه در سال ۱۳۰۲ش: تبعات و واکنش‌ها ۲۷

مبادرت به روش‌های غیراخلاقی و خارج از شأن انسانی که سبب تضییع حقوق افراد مصیبت‌زده می‌شد نیز رویگردان نبودند:

زلزله برای اخذی اشخاص طماع، بایی تازه گشوده و میدان استفاده را از جهت ابوالمله‌ها وسیعتر کرده است. کنکاش‌های سری و علنی برای تقسیم اعانه نموده و خودسرانه خرابی خانه یکدیگر را به تصدیق معمار بلدیه میرسانند! بدبخت دهاقینی که مبالغی پول در زیر خاک و املاک از خود باقی گذاشته و از حیات محروم شدند. اگر اعانه برسد باید فلان آدمی که مثل زالو خون همان رعیت را مکیده حالا هم از آن اعانه استفاده نماید. (فکر آزاد، شماره ۷۸، ۱۳۰۲ش، صص ۲ و ۱)

این وضعیت سبب شد تا عده‌ای به شدت از روند تقسیم اعانه و کمک به افراد داغ‌دیده در نواحی زلزله‌زده انتقاد نموده، عنوان کنند که باید ابتدا، افراد مستحق و نیازمند شناسایی شوند، تا اعانه‌های جمع‌آوری شده، به درستی مصرف گردد. براساس مطالب اظهار شده، اکثریت غالب افراد مصیبت‌زده و داغ‌دیده، اهالی روستاها و رعایایی بودند که عمدتاً در نتیجه زمین‌لرزه گشته شدند و اثری از آنها و اموالشان وجود ندارد، معدودی از آنان نیز مجروح شده و تحت معالجه هستند. اما در این میان، عده‌ای از افراد دارا و ثروتمند بر مبنای خصلت منعت‌طلبی و شخصی‌نگری، دست به اقداماتی نازیبا می‌زدند (همان، شماره ۸۰، ۱۳۰۲ش، ص ۳)

نشانه دیگری از سوءاستفاده برخی اشخاص از زلزله تربت‌حیدریه مربوط به افرادی می‌شد که سودای کرسی نمایندگی مجلس شورای ملی را در اذهان خود می‌پروراندند. از آنجا که قرار بود تا انتخابات پنجمین دوره مجلس شورای ملی در اواسط سال ۱۳۰۲ش برگزار گردد، ازین رو، چند ماه قبل از آن یعنی دقیقاً مقارن با زلزله تربت، تبلیغات و رایزنی‌ها در راستای جلب آراء مردم آغاز شده بود. برخی افراد تشنه قدرت و مقام در خراسان، حتی از وقوع یک بلای طبیعی مانند زمین‌لرزه تربت نیز به‌عنوان ابزاری در راستای تبلیغات و ارائه تصویری مثبت از خود در جامعه صرف‌نظر ننمودند:

استفاده از زلزله: مراسله‌ای بنام معلمین مدارس به ما رسیده و شکایت مینمایند که طالبان و جاهت ملیه و آرزومندان وکالت میخواهد دو عشر از حقوق آنها را به عنوان اعانه به محنت‌زدگان تربت‌حیدریه کسر نمایند- ما در تصدیق و تکذیب این خبر مترددیم- و عجاله مینویسیم که هرگاه چنین تصمیم گرفته شده است موقوف دارند

زیرا معلمی که ماهی شش الی پانزده یا بیست تومان حقوق می‌گیرد خود به اعانت دیگران محتاج است. (همان، شماره ۸۰، ۱۳۰۲ش، ص ۳)

افزون بر این‌ها، داستان جالبی از سوءاستفاده برخی افراد متنفذ و فرصت‌طلب وجود دارد. بدین ترتیب که، اندکی بعد از بروز زلزله، به ظاهر تلگرافی با امضای برخی اهالی تربت به پایتخت ارسال گردید که در آن ادعا شده بود، رئیس اداره مالیات غیرمستقیم شهر مذکور، حتی در این شرایط اسفناک و بحرانی نیز دست از اجحاف و زیاده‌ستانی مالیاتی برنداشته و سبب وخامت بیشتر وضعیت زندگی مردم مفلوک می‌شود (اسناد موسسه مطالعات تاریخ معاصر، شماره راهنما ۷-۱۸۷۳-۱۱م)

این اشخاص که خود را در زمره افراد مظلوم، ستم‌دیده، و محنت‌زده از زلزله معرفی کرده بودند، عاجزانه از مقامات دولتی خواستند تا شخص موردنظر (نصرت‌الممالک) را از منصب خود معزول نمایند. آنها به اندازه‌ای بر محقق بودن خود و برکناری رئیس مالیات غیرمستقیم اصرار داشتند که حتی مبادرت به تحصن در تلگرافخانه نمودند: «تا این بلیه را از سر ما رفع فرمایند خارج نمی‌شویم» (همان، شماره راهنما ۷۹-۱۴۷۹-۱۲م). اما گویا واقعیت چیز دیگری بود که کاملاً با مطالب مذکور، در تضاد قرار داشت. ماجرا از این قرار بود که کدورتی جدی میان امین مالیه (رئیس دارایی) تربت حیدریه با نصرت‌الممالک شیبانی وجود داشت، ازین‌رو، امین مالیه در راستای دشمنی خود با نصرت‌الممالک (رئیس اداره مالیات غیرمستقیم و رئیس اداره تحدید تریاک) و به منظور ضربه‌زدن به او، با برخی از افراد متنفذ و ثروتمند تربت که سودای نمایندگی مجلس ملی را داشتند، متحد شده و آنها را تحریک نمود که اگر علیه نصرت‌الممالک توطئه نموده و سبب عزل او شوند، در تبلیغات انتخاباتی و گردآوری رای مردم، به آنان کمک خواهد کرد. در آن‌سو، برخی از تجار و کسبه آن منطقه که در صدد خرید و فروش پنهانی و قاچاق تریاک بودند، تا از زیر بار مالیات آن‌شانه خالی کنند، توسط اداره تحدید تریاک، کشف و اموال آنان نیز به دستور نصرت‌الممالک ضبط گردید. مقدار تریاک ضبط‌شده که سه خروار بوده، سبب گردید تا قاچاق‌چیان، متحمل ضرر هنگفتی شوند، ازین‌رو، خشم شدید آنان را نسبت به نصرت‌الملک برانگیخته و در پی ضربه‌زدن علیه او برآمدند. بنابراین، آن «متنظرالوکاله»ها به فکر تحریک این افراد متضرر علیه رئیس اداره مالیات غیرمستقیم تربت افتادند (فکرآزاد، شماره ۷۸، ۱۳۰۲ش، ص ۳).

آخرین نمونه و گواهی که در این قسمت در ارتباط با آشکارشدن معضلات فرهنگی-اجتماعی جامعه بعد از زلزله تربت حیدریه به آن اشاره می‌کنیم، رواج بازار تهمت و افتراء در میان سیاستمداران مملکت بود، چنان‌که با هیاهو و جنجال، سعی می‌کردند تا نقش خود را پُررنگ جلوه داده و چهرهٔ مثبتی از خود در افکار عمومی ترسیم نمایند و در مقابل، دیگران، به ویژه رقبا و مخالفان سیاسی خود را تخریب نموده، آنان را به بی‌توجهی به مردم زلزله‌زده و اِهمال در امداد به زلزله‌زدگان متهم کنند:

شهر تربت از نهب زلزله واژگون گردید. تمام قراء و قصابات دلکش و خرم و مزارع سرسبز با محصول نوحزش از میان رفت و زیاده بر شش هزار نفر تلف شدند و عاقبت بقدر استیضاحی که از یک نفر از اعیان (میرزا حسن مستوفی نخست‌وزیر وقت ایران) به عمل آمد در آن حرارت به خرج داده نشد! (نوبهار، شماره ۳۲، ۱۳۰۲ش، ص ۵۱۱).

۳. واکنش‌ها در قبال این رویداد

۱.۳ تکاپوهای نوع‌دوستانه در داخل کشور

در بسیاری از نقاط ایران، به دستور شاه و با ریاست افتخاری او، دفاتر اعانه دایر گردید تا ازین طریق، مردم را برای پرداخت پول به مردم مصیبت‌دیدهٔ تربت ترغیب نمایند. گفته شده که شخص احمدشاه با پرداخت مبلغ هزار لیره، در این کار بشردوستانه شرکت کرد (شفیق سرخ، شماره ۱۵۷، ۱۳۰۲ش، ص ۳). همچنین، به دستور آخرین شاه قاجار، مراسمی در کاخ گلستان با هدف جمع‌آوری کمک مالی از اعیان، درباریان و طبقات حاکمه ایران مورخ ۲۰ خردادماه ترتیب داده شد. بنابر روایت، در این دعوت شاهانه که بیش از صدوپنجاه نفر از منتقدین و اشراف کشور اعم از شاهزادگان، وزراء، اعیان، علما و بازرگانان حضور داشتند، احمدشاه با ایراد نطقی بدین ترتیب: «قضیه هائله تربت و تصور حال بلادیدگان این مصیبت بزرگ خاطر ما را بینهایت ملول و متاثر داشته...» درصدد جلب توجه این اقشار مرفه نسبت به مردم داغ‌دیدهٔ تربت برآمد و در نهایت، مبلغ قابل توجهی نیز گردآوری شد (بهار، همان، ص ۳۳۰). با تمام آثار مخرب و وجوه منفی منبعت از زلزله تربت حیدریه، یک جنبهٔ مثبت نیز در نتیجهٔ این رویداد، جلوه‌گر گردید، و آن نیز ابراز همدردی و اقدامات نوع‌دوستانهٔ بسیاری از ایرانیان و حتی بعضاً غیرایرانی در قبال زلزله‌زدگان بود، که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

یکی از اقدامات فوری کارگزاران ایالت خراسان بعد از وقوع زلزله، طرحی برای ایجاد کمیسیونی در راستای جمع‌آوری اعانه، به منظور کمک به آسیب‌دیدگان زمین‌لرزه تربت حیدریه بود (فکر آزاد، شماره ۷۴، ۱۳۰۲ش، ص ۲)، تا ازین طریق، پول‌های اهدا شده از سوی افراد و گروه‌های مختلف، جمع‌آوری و برای کمک به افراد زلزله‌زده هزینه گردد، زیرا بنا بر روایت، برخی از خیرین خراسانی مقیم تهران در روزهای اولیه بعد از بروز زلزله، مبالغی به منظور کمک به اهالی تربت حیدریه، به سوی خراسان حواله کرده بودند، به علت این‌که هنوز در آن زمان، کمیسیونی در راستای جمع‌آوری اعانه وجود نداشت، مقامات خراسانی از پذیرفتن آن مبلغ خودداری ورزیدند (همان، شماره ۷۵، ۱۳۰۲ش، ص ۲). یکی از رجال پزشکی برجسته ایران طی آن زمان که اندکی قبل از آن اقدام به تأسیس جمعیت شیروخورشید سرخ ایران، به مثابه موسسه امدادی و خیریه نموده، و شعباتی در برخی شهرهای ایران منجمله در مشهد ایجاد کرده بود، شعبه این سازمان خیریه در مشهد، بلافاصله بعد از واقعه زمین‌لرزه تربت، به تکاپوی فراوان افتاده، به خاطر اوضاع رقت‌انگیز و بغرنج حاکم بر تربت حیدریه و حومه آن، تلگرافی به مجلس حفظ‌الصحه در پایتخت فرستاده و راجع به وضعیت بسیار بهداشتی و زیستی بسیار اسفناک مردم آنجا هشدار داد و خواستار مساعدت اقتصادی مکفی و فوری گردید (اسناد موسسه مطالعات تاریخ معاصر، شماره راهنما ۱۰۰۷۴-۰-۰)، ضمن این‌که خود به عنوان یک پزشک حاذق و سرشناس از وزارت‌خانه متبوع خود (وزارت علوم و معارف) مرخصی سه ماهه گرفت تا به حال افراد مصیبت‌زده در آن منطقه رسیدگی کنند (مرد آزاد، شماره ۹۶، ۱۳۰۲ش، ص ۳). برخی افراد متمول و بانفوذ، بعد از تشکیل کمیسیون اعانه، درصدد کمک مالی برآمدند، فی‌المثل یکی از متعینین و رجال مهم، که خود اصالتاً خراسانی بود، مبلغ پنجاه تومان به کمیسیون اعانه پرداخت نمود تا صرف مصیبت‌دیدگان آن منطقه از ایران گردد (فکر آزاد، شماره ۷۷، ۱۳۰۲ش، ص ۳). در پایتخت، به دستور شاه قاجار، مقامات بلندپایه و کارمندان دولتی در وزارتخانه‌ها و «بلدیه طهران»، ملزم به پرداخت اعانه برای زلزله‌زدگان شدند (اسناد موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره راهنما ۱۱۷-۱۴۷۹-۱۲م).

غیر از طبقات فرادست اجتماع، رجال سیاسی و اشخاص مرتبط با حاکمیت، عامه مردم در نقاط دیگر ایران نیز علی‌رغم شرایط اقتصادی-اجتماعی و رفاهی نامطلوب‌شان در آن برهه زمانی، مطابق با توان مالی خود، درصدد کمک مالی به هم‌وطنان و هم‌نوعان‌شان در تربت حیدریه برآمدند. روایات حاکی از این است که معلمین مدارس مشهد، «هر کدام

زمین لرزه تربت حیدریه در سال ۱۳۰۲ش: تبعات و واکنش‌ها ۳۱

مبلغی به‌طور رغبت و اختیار و به فرآخور حال خود اعانه قبول نموده‌اند که بپردازند» (فکر آزاد، شماره ۷۶، ۱۳۰۲ش، ص ۲). در استرآباد، حاکم این شهر، مبادرت به تشکیل مجلسی با حضور علما، روسای دوایر دولتی، تجار، کسبه و برخی اقشار دیگر مردم برآمد، سرانجام توافق گردید که هیات مدیره‌ای تشکیل شود تا شروع به جمع‌آوری اعانه از اهالی آن منطقه از کشور نمایند (شفق سرخ، شماره ۱۵۰، ۱۳۰۲ش، ص ۲). خبر دیگری مبنی بر این بود که در جنوب ایران، گروهی به نام «اتحادیه اخوت بوشهر» مبلغ هفتصدوسی تومان برای مردم زلزله‌زده خراسان ارسال نمود (ایران آزاد، شماره ۳، ۱۳۰۲ش، ص ۲). صنف دارو فروشان با ارسال هفت صندوق دارو و یک صندوق سرم به سوی تربت حیدریه، همدردی خود با هموطنان زلزله‌زده خود را چنین نشان دادند (مرد آزاد، شماره ۱۰۶، ص ۲). گروهی از پزشکان تحت عنوان «هیأت متفقه اطباء دیپلمه» به ریاست دکتر احیاءالدوله (شیخ) مبادرت به جمع‌آوری کمک برای مردم مصیبت‌دیده تربت حیدریه برآمدند (همان، شماره ۱۱۵، ص ۲).

۲.۳ عملکرد دولت

گفته شده نه تنها در ساعات نخستین بعد از وقوع زمین‌لرزه سهمگین پنجم خرداد، مقامات دولتی در تربت حیدریه همراه با متنفذین محلی، دست به کار شده و مجدانانه به تکاپو افتادند:

از طرف حکومت تربت و رئیس‌التجار و امین‌التجار و سایرین حتی المقدور برای بیرون آوردن اجساد و دفن و کفن آنها جدیت‌هایی شده و میشود... امروز هم عده دیگر عمله و چند نفر غسل و غسله و مقداری آذوقه و چندین توب پارچه برای کفن از طرف حکومت باتفاق مامورین بخارج شهر فرستاده شد. (نوبهار، شماره ۲۹، ۱۳۰۲ش، ص ۴۶۳).

بلکه بالاترین مقام دولتی یعنی نخست‌وزیر نیز به این امر واکنش نشان داد. نخست‌وزیر وقت ایران (حسن مستوفی) به مقامات دولتی در ایالت خراسان دستور داد تا در اسرع وقت، کمیسیونی مرکب از روسای ادارات، علما و تجار تشکیل داده و به وضعیت آسیب‌دیدگان رسیدگی نمایند (اسناد موسسه مطالعات تاریخ معاصر، شماره راهنما ۱۵۵-۱۴۷۹-۱۲م). چنان‌که در هفتم خرداد، نایب‌الایاله خراسان (شاهزاده مفاخرالسلطنه) همراه با چند نفر

پزشک، از مشهد عازم تربت شدند و قرار بود که با حضور آنان در تربت حیدریه، کمیسیون تشکیل گردد (نوبهار، همانجا). اقدامات این کمیسیون که اعضای آن، مرکب از برخی عوامل حکومتی و عناصر متنوّذ محلی بودند، طبیعتاً می‌توانست در سروسامان دادن به اوضاع، تاثیرگذار باشد (قشون، شماره ۱۰، ۱۳۰۲ش، ص ۶).

والی وقت خراسان نیز مدّعی است بلافاصله بعد از واقعه مسئولین لشکری و کشوری در خراسان، در راستای کمک به زلزله‌زدگان و سروسامان دادن به امور، به سوی تربت حیدریه شتافتند (امیربهدار، همان، ص ۹۳). علاوه بر این، دولت به دکتر ریان، مستشار امریکایی که با تصویب مجلس ملی چهارم مقارن با اواسط سال ۱۳۰۱ش به منظور اصلاح امور بلدیّه تهران، برای پنج سال به استخدام دولت ایران درآمده بود، دستور داد تا روانه تربت حیدریه گردد:

مأموریت پیدا نمود شخصاً برای بازدید و معاینه محل‌های مخروبه و تهیه احصائیه صحیح راجع به تلفات و خسارت دیدگان و آوارگان تربت در اثر زلزله بدانجا مسافرت نموده و تا چند روز دیگر از مرکز برای انجام مأموریت خود عزمیت خواهد کرد. (روزنامه شفق سرخ، شماره ۱۵۲، ۹ سرطان ۱۳۰۲ش، ص ۲).

البته یکی از وظایف مهم او در این مأموریت، طرح‌ریزی و ارائه نقشه جدید برای بنای مجدد شهر تربت حیدریه بود (شفق سرخ، شماره ۱۵۷، ۱۳۰۲ش، ص ۳). افزون بر بالاترین مقام دولتی یعنی نخست‌وزیر، ظاهراً بالاترین مقام نظامی کشور یعنی وزیر جنگ نیز بلافاصله بعد از تلگراف رئیس فوج قرائی، مستقر در تربت حیدریه و نواحی اطراف آن، به امیرلشکر شرق، مستقر در مشهد، راجع به زلزله در تربت و وضعیت بحرانی مردم آن قسمت از خاک ایران، و ارسال این تلگراف از سوی امیرلشکر شرق برای وزیر جنگ در پایتخت، از سوی وزارت جنگ دستور داده شد تا امیرلشکر شخصاً همراه با قسمتی از افراد نظامی تحت امرش، از مشهد روانه تربت حیدریه شده و به کمک اهالی مصیبت‌زده آنجا بشتابد:

امر میدهم خودتان به فوریت به محل حرکت و کمال جدیت و مساعدت را در نجات و پرستاری مجروحین و تدفین اجساد مقتولین و جمع‌آوری اموال و اثاثیه اهالی بدبخت به عمل آورده و تأسفات قلبی و افسردگی خاطر مرا به عموم اهالی تربت ابلاغ دارید. (قشون، شماره ۱۱، ۱۳۰۲ش، ص ۲).

با این دستور، بخشی از نیروهای نظامی واقع در شرق ایران عازم تربت حیدریه گردیدند و در صدد مساعدت و امداد رسانی به مردم زلزله زده برآمدند، چنان‌که تقریباً یک هفته بعد از بروز زلزله و کوشش مستمر افراد نظامی در سروسامان دادن به نواحی زلزله زده، امیر لشکر شرق از طریق ارسال تلگراف، عملکرد نیروهای خود را به وزارت جنگ را گزارش داد (همان، ص ۳).

یکی دیگر از نهادهای دولتی که مستقیماً در صدد همراهی با زلزله‌زدگان تربت و امداد رسانی به آنان برآمد، وزارت مالیه بود، چنان‌که به دستور وزیر مالیه، پیشکار کل مالیه خراسان (ماژور هال) عازم منطقه زلزله زده شد (فکر آزاد، شماره ۷۴، ۱۳۰۲ش، ص ۲). او با یک برآورد اولیه از میزان خسارت اقتصادی، پیشنهاد کرد که وزارت مالیه، در همان روزهای نخستین بعد از حادثه، فوراً و بدون طی کردن مراحل زمان‌بر تصویب لایحه در دولت و مجلس، علی‌الحساب مبلغ دو هزار تومان اعتبار در اختیار اداره مالیه خراسان قرار دهد تا صرف مخارج کفن و دفن اجساد متوفی گردد. البته، بعد از پرداخت پول، وزیر مالیه در گزارشی به نخست‌وزیر، به این موضوع اشاره نموده و هماهنگی لازم را بعمل آورد:

مقام منبع ریاست‌وزرا بر طبق تلگراف اداره مالیه خراسان و تربت حیدریه زلزله فوق‌العاده رخ داده و عده کثیری از اهالی تلف شدند و برای مخارج کفن و دفن آنها دو هزار تومان اعتبار تقاضا نموده بود، نظر به فوریت امر اجازه مبلغ مزبور تلگرافاً صادر شد. مستدعی است مقرر فرمایند تصویب‌نامه آن از محل اعتبار دولتی صادر و ابلاغ شود. (اسناد موسسه مطالعات تاریخ معاصر، شماره راهنما ۱۱۵-۱۴۷۹-۱۲م).

در نهایت، به آخرین نهاد دولتی که در این زمینه وارد عمل شد یعنی وزارت امور خارجه اشاره خواهیم کرد. وزیر وقت امور خارجه یعنی محمد مصدق، یک مستشار امریکایی به نام دکتر راین را به عنوان نماینده خود به سوی تربت روانه نمود، که او بعد از دیدار از تربت حیدریه و روستاهای اطراف آن، گزارش خود را به نخست‌وزیر ایران ارائه کرد (اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۲، کارتن ۳۰، پرونده ۱، ص ۱۴۴). اندکی بعد، با پیشنهاد وزیر مختار ایران در ایالات متحده آمریکا (حسین علاء) به وزارت امور خارجه ایران در راستای جمع‌آوری کمک‌های مالی از مردم آمریکا از طریق سفارتخانه ایران در آن کشور، وزیر امور خارجه ایران نیز در بخش‌نامه‌ای به همه سفارتخانه‌های ایران در کشورها و سرکنسول‌گری‌های ایران در بغداد، تاشکند، تفلیس، بادکوبه و بمبئی خبر زلزله تربت حیدریه را اطلاع داده و دستور داد فوراً دفتر اعانه در مراکز سیاسی ایران در کشورهای

مذکور دایر گردیده، شروع به جمع‌آوری کمک‌های مردمی نمایند(اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۲، کارتن ۴۴، پوشه ۱، صص ۳۷-۳۸).

۳.۳ بازتاب واقعه در مجلس شورای ملی

در همان برهه زمانی یعنی خرداد ۱۳۰۲ش، مجلس ملی چهارم، آخرین روزهای کاری خود را سپری می‌نمود و از سوی دیگر، مدتی قبل از آن، چالش شدیدی میان مجلس ملی و دولت حسن مستوفی بوجود آمده بود، ازین رو، مدت کوتاهی بعد از وقوع زمین‌لرزه تربت، ابتدا، مستوفی‌الممالک از نخست‌وزیری استعفا داد و اندکی بعد از آن، در پایان خردادماه هم عمر مجلس چهارم به اتمام رسید، ازین رو، وضعیت ساختار سیاسی متزلزل بوده و ثباتی در حاکمیت مشاهده نمی‌شد. با این اوصاف، دور از انتظار نبود که رسیدگی به امور مملکتی منجمله توجه به زلزله‌زدگان تربت حیدریه، حداقل از نگاه برخی نمایندگان خراسان در مجلس ملی، به درستی انجام نشود (نوبهار، شماره ۳۰، ۱۳۰۲ش، ص ۴۸۰).

علی‌ای‌حال، و علی‌رغم بی‌ثباتی سیاسی و تزلزل شدید موقعیت دولت حسن مستوفی، و با وجود نگرش بدبینانه برخی نمایندگان خراسان در مجلس، مجلس شورای ملی ایران چندان هم به این اوضاع اسفناک هموطنان در شرق کشور بی‌توجه نبود، چنان‌که رئیس وقت مجلس شورای ملی (میرزا حسین‌خان مومن‌الملک) در یکی از اولین جلسات مجلس بعد از زمین‌لرزه تربت این‌گونه ابراز همدردی مجلس ملی را با زلزله‌زدگان ابراز نمود (مذاکرات مجلس چهارم شورای ملی، دوره چهارم، جلسه ۲۸۲، ۱۹ جوزا ۱۳۰۲). در این میان، برخی نمایندگان مجلس، به‌ویژه وکلای خراسان در مجلس ملی چهارم، تکاپوی فراوانی برای توجه بیش از پیش مسئولین دولتی به نواحی زلزله‌زده تربت نشان دادند(همان، جلسات ۲۸۸؛ ۲۹۳، ۲۹۴)، تا آنجا که حتی تکاپوهایی همچون ارائه طرحی مبنی بر اعطای نقدی دویست هزار تومان برای ترمیم ویرانی‌های تربت و همچنین اجازه صرف بخشی از مالیات خراسان در همان تربت حیدریه از خود نشان دادند(نوبهار، شماره ۳۱، ۱۳۰۲ش، ص ۴۹۶).

با تغییر دولت در اواسط خردادماه یعنی روی کارآمدن کابینه حسن مشیرالدوله به جای حسن مستوفی‌الممالک، و در حالی که کشور طی این مقطع زمانی، هنوز از بحران مالی ناشی از ناکارآمدی سیاسی، نابسامانی اقتصادی، و اختلالات اجتماعی، به شدت رنج می‌برد، برخی نمایندگان خراسان در مجلس ملی، طرحی را که شامل موادی سه‌گانه با مضمون

دویست هزار تومان پول نقد برای ترمیم خسارات تربت حیدریه بود، تهیه کرده و به دولت جدید که توسط میرزا حسن مشیرالدوله تشکیل شد، ارائه نمودند (همانجا). اما با توجه به اوضاع وخیم اقتصاد ایران، این انتظار برآورده نشد، با این حال، در نتیجه این تلاش‌های مکرر محمدتقی بهار، تدین و برخی دیگر از نمایندگان خراسان در مجلس شورای ملی بود که در روزهای پایانی مجلس چهارم شورای ملی مطابق با اواخر خرداد ۱۳۰۲ش، نمایندگان مجلس شورای ملی، مبادرت به تصویب طرحی کردند که براساس آن، دولت موظف گردید تا مبلغ پنجاه هزار تومان را از محل صرفه‌جوئی سازمان‌های دولتی، به عنوان اعانه برای زلزله‌زدگان تربت حیدریه اختصاص دهد (اسناد موسسه مطالعات تاریخ معاصر، شماره راهنما ۱۱۲-۱۴۷۹-۱۴۲م).

علی‌رغم این، بنابر ادعای برخی نمایندگان خراسان در مجلس، همین مقدار پول نیز به‌طور کامل و در موعد مقرر پرداخت نشد، بلکه تعلل و قصور فراوان در این امر، موجب گردید تا این بودجه، در بهبود شرایط زلزله‌زدگان، چندان تاثیرگذار نبوده و در جایی دیگر هزینه شود (بهار، همان، ص ۳۳۰). همچنین، بعدها یعنی تقریباً دو سال بعد از زمین‌لرزه مورد بحث، در یکی از جلسات مجلس ملی پنجم، سیدمحمد تدین (نماینده قائن و بیرجند) در سخنانش مدعی گردید که تمام مبلغ مورد نظر (پنجاه هزار تومان) صرف زلزله‌زدگان نشده، قسمت قابل توجهی از آن توسط شعبه شیروخورشید سرخ در مشهد، در راستای خرید مغازه و مستغلات برای این سازمان هزینه گردید (مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۵، جلسه ۱۸۸، ۱۴ تیر ۱۳۰۴ش). این اظهار از سوی نماینده مجلس، آن‌هم دو سال بعد از وقوع حادثه سبب شد تا امیراعلم که خود یکی از پزشکان حاذق ایران در آن برهه زمانی و از موسسین جمعیت شیروخورشید سرخ بود، و در این زمان در مجلس حضور داشته، بلافاصله در صدد رفع اتهام در این باب برآید (همان).

۴.۳ عکس‌العمل دول خارجی

اوضاع مردم زلزله‌زده تربت، به آن اندازه تأثیر انگیز و حاد بوده که نه تنها سبب ابراز همدردی و مساعدت هموطنان ایرانی‌شان گردید، بلکه حتی حسن نوع دوستی برخی از بیگانگان را هم برانگیخت. بر اساس تلگراف حسین علاء، وزیر مختار ایران در ایالات متحده آمریکا، صلیب سرخ کشور مذکور، ابتدا در خردادماه مبلغ پنج هزار دلار به منظور کمک به اهالی زلزله‌زده تربت تقبل نماید، تا از طریق سفارت آمریکا بین آنان

تقسیم گردد(شفق سرخ، شماره ۱۵۰، ۱۳۰۲ش، ص ۱)، و چند ماه بعد از آن، مجدداً مبلغی دیگر به میزان پنج هزار دلار اختصاص دهد(اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۲، کارتن ۴۴، پرونده ۱، ص ۷). سرکنسول ایران مقیم استکهلم نیز از مساعدت مالی یک هزار فرانکی سوئد برای زلزله‌زدگان تربت حیدریه خبر داد(ایران، شماره ۱۴۶۲، ۱۳۰۲ش، ص ۲)، ضمن این‌که دانمارکی‌ها نیز دوهزار فرانک در این راستا پرداخت کردند(اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۲، کارتن ۴۴، پرونده ۱، ص ۹). وزیر مختار بریتانیا در ایران (سرپرسی لورن) نیز در نامه‌ای به ذکاءالملک، وزیر خارجه ایران، مراتب تأسف دولت پادشاهی انگلیس را از وقوع زلزله تربت به وی ابلاغ نمود(همان، سال ۱۳۰۲، کارتن ۴۴، پوشه ۱، ص ۳۸)، به نظر می‌رسد توجه آنان به مردم مصیبت‌زده تربت حیدریه فقط در همین اندازه بوده، چرا که شواهد و مستندات مربوط به کمک مالی بریتانیا به ایران در این باب بدست نیامده است. اما در این میان، شورویها بیش از بقیه کشورها در این زمینه همدردی و مساعدت از خود نشان دادند، چنان‌که نه تنها وزیر مختار وقت این کشور در ایران(شومیاتسکی) به مناسبت وقوع زلزله در تربت به وزیر امور خارجه ایران تسلیت گفت و از فاجعه‌ای «که به ملت دوست ایران وارد آمده است» ابراز تأسف کرد(اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۲، کارتن ۴۴، پرونده ۱، ص ۱۲). کنسول شوروی در خراسان درصدد جمع‌آوری اعانه از اتباع خود در ایران، در راستای کمک به زلزله‌زدگان برآمد(پیکان، شماره ۳۳، ۱۳۰۲ش، ص ۳)، که این اقدام انسان‌دوستانه، توأم با نتیجه مثبت بود و مبالغی پول فراهم گردید: «از قرار مسموع آقای حکیم‌اف جنرال قونسول محترم دولت ساویت و نمایندگان تجارتخانه ونشتورک و سانتر ساپوز کمیسیون برای اعانه مصیبت‌زدگان تربت تشکیل داده قریب پانصد تومان وجه جمع‌آوری نمودند»(فکر آزاد، شماره ۷۴، ۱۳۰۲ش، ص ۲). همچنین، بر اساس خبری دیگر، «اداره اعانه قحطی‌زدگان روسیه» مبلغی را برای کمک به مردم تربت تخصیص داده و ارسال نمود(شفق سرخ، شماره ۱۵۸، ۱۳۰۲ش، ص ۲). صلیب سرخ شوروی مبادرت به ارسال مقصداری دارو و تجهیزات پزشکی برای زلزله‌زدگان تربت برآمد(اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۲، کارتن ۴۴، پرونده ۱، ص ۱۷)، ضمن این‌که، دولت شوروی دوهزار پانصد دلار نیز به زلزله‌زدگان تربت کمک نمود، که بدین خاطر، وزیر مختار وقت ایران در مسکو(مشاورالممالک انصاری) ضمن اعلام این خبر به وزارت امور خارجه ایران، به وزیر امور خارجه نوشت: «بد نیست در ضمن صحبت از وزیر مختار روس اظهار امتنان بشود»(همان، سال ۱۳۰۲، پوشه ۴۴، پرونده ۱،

ص ۳۶). افزون بر این‌ها، در باب این حادثه دردناک در شرق ایران، روزنامه رسمی دولت شوری در آن زمان یعنی ایزوستیا، با تحریر مطالبی تحت عنوان «به مناسبت زلزله تربت»، از مقامات حکومت شوروی خواست تا با توجه به کمک انسان‌دوستانه ایرانی‌ها به قحطی‌زدگان روسیه که دو سال قبل از آن اتفاق افتاد، به زلزله‌زدگان ایرانی کمک کنند (شفق سرخ، شماره ۱۶۲، ۱۳۰۲ش، ص ۳).

۴. نتیجه‌گیری

اگرچه مطمئناً پدیده زلزله، فی‌الذمه، به‌عنوان یک بلای طبیعی بوده و ازین‌رو هم در زمره وقایع ناخوشایند، و با نتایجی ناگوار و غیرمطلوب شناخته می‌شود، علی‌رغم این و با توجه به مطالب ارائه‌شده در مقاله، می‌توان از دو وجه مثبت و منفی به اثرات زمین‌لرزه تربت-حیدریه در خرداد ۱۳۰۲ش نگریست. پیامدهای منفی این رویداد، شامل دو قسمت است؛ اول، عواقب طبیعی ناشی از بروز این اتفاق غیرانسانی یعنی تخریب بسیاری از مسکن مردم، آسیب به تاسیسات و زیرساخت‌های شهری، فلاکت و آوارگی هزاران نفر، صدمات شدید روحی و روانی برای افراد زلزله‌زده و مصیبت‌دیده، و نابودی صدها انسان، حاصل زلزله تربت بود. البته شایان‌ذکر است که اگرچه عامل انسانی در بروز این نوع عواقب شوم نقشی نداشت، باین‌حال، نباید کاملاً از آن غافل بود زیرا این عامل می‌توانست در تشدید و یا تخفیف میزان ویرانی و تلفات، تاثیرگذار باشد، چنان‌که اگر به‌جای بافت بسیار قدیمی و فرسوده منازل، استحکام بناهای مسکونی بیشتر بود، به‌طور قابل‌توجهی از شدت خرابی و گشتار انسان‌ها کاسته می‌شد. موید این ادعا در مورد واقعه زلزله تربت، این است که بنا بر روایات، اکثر خسارات جانی و مادی، در روستاها و مربوط به اقشار ندار جامعه و عامه مردم تهدیدست بود، و افراد مرفه و دارا، به علت سکونت در خانه‌های استوار و محکم، آسیب چندانی متحمل نشدند. قسمت دوم از وجه منفی زلزله تربت، به مسائلی برمی‌گردد که کاملاً منبعت از اراده و اختیار انسانی و برگرفته از خصلت‌های بشری است. ویژگی‌های غیراخلاقی و ناپسندی همچون خودخواهی، منفعت‌پرستی، عدم صداقت در راستای بهره‌وری از امکانات مالی و نیل به جاه و مقام، و همچنین بهتان، اتهام ناروا و تخریب شخصیتی دیگران به‌منظور دستیابی به شهرت و کسب وجهه در میان مردم، از زمره معضلاتی بودند که از سوی برخی افراد هیات حاکمه و اقشار بالادست جامعه، در حول محور زلزله تربت حیدریه، مورد سوءاستفاده قرار گرفت. این اشخاص، به جای همدردی و مساعدت به

همنوعان داغدیده و فلاکت‌زده خود، رویدادِ مورد‌بحثِ شوم را به عنوان ابزاری در راستای منافع شخصی مهیا دیدند. اما مطالب مذکور، همه پیامدهای زلزله تربت نبود، بلکه این سگه، روی دیگری نیز داشت. بروز این زمین‌لرزه موجب گردید تا حس انسان‌دوستی، روحیه جمعی، وظیفه‌شناسی و همیاری در جامعه، تحریک شده و به منصفه ظهور برسد. نه تنها مسئولان مملکتی در راستای تعهد و وظیفه خود، علی‌رغم برخی عیوب در اقدامات‌شان، عمدتاً سعی نمودند تا مُصرّانه و مجدّانه به این موضوع رسیدگی کرده و به اوضاع رقت‌بار مردم زلزله‌زده سروسامان دهند، بلکه دردورنج این افراد مصیبت‌دیده و بی‌پناه، احساس همدردی و نوع‌دوستی بسیاری از مردم ایران را هم برانگیخت، آنان که شاهد شرایط اسفناک و تأثیربرانگیز هم‌وطنان‌شان در تربت حیدریه بودند، به راحتی و بی‌تفاوتی از کنار این مسئله نگذشته، بلکه سعی کردند تا در حدّ توان خود سبب کاهش آلام و تسلی خاطر این افراد داغدیده شوند. این موضوع یعنی در نظر گرفتن معیارهای انسانی و رویکرد اخلاقی، در ارتباط با زمین‌لرزه تربت، نه فقط برای بسیاری از ایرانیان بلکه حتی راجع به برخی غیرایرانیان نیز صادق بود، چنان‌که کمک‌های انسان‌دوستانه برخی دول خارجی دالّ بر این مدعاست.

کتاب‌نامه

امیربهدار، جعفرقلی خان. خاطرات سرداراسعد بختیاری، به کوشش: ایرج افشار، تهران: اساطیر، ۱۳۷۲ش.

بهار، محمدتقی. تاریخ مختصر احزاب سیاسی، جلد ۱، تهران: امیرکبیر، ۱۳۲۱ش.

مجلات و روزنامه‌ها

الحق، سال ۱۳۰۲ش، شماره ۵.

ایران آزاد، سال ۱۳۰۲ش، شماره ۳.

ایران، سال ۱۳۰۲ش، شماره ۱۴۶۲.

شفق سرخ، سال ۱۳۰۲ش، شماره‌های ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۲.

فکر آزاد، سال ۱۳۰۲ش، شماره‌های ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸.

قشون، سال ۱۳۰۲ش، شماره‌های ۱۰، ۱۱.

نوبهار، سال ۱۳۰۲ش، شماره‌های ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲.

مرد آزاد، سال ۱۳۰۲ش، شماره ۹۶، ۱۰۶.

منابع اسنادی و آرشیوی

زمین لرزه تربت حیدریه در سال ۱۳۰۲ش: تبعات و واکنش‌ها ۳۹

اسناد موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

۱۲۳-۱۴۷۹-۱۲م ؛ ۱۱۲-۱۴۷۹-۱۲م ؛ ۱۱۷-۱۴۷۹-۱۲م ؛ ۱۵۵-۱۴۷۹-۱۲م ؛ ۱۱۵-۱۴۷۹-۱۲م ؛ ۷-
۱۸۷۳-۱۱م ؛ ۱۰۰۷۴-۰-۰ن؛

اسناد وزارت امور خارجه ایران :

سال ۱۳۰۲، کارتت ۳۰، پوشه ۱ ؛ سال ۱۳۰۲، کارتت ۴۴، پوشه ۱؛

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی

دوره چهارم، جلسات ۲۸۲، ۲۸۱، ۲۹۳، ۲۹۴.

